

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

Psychological consequences of forgiveness from the perspective of Iranian's mothers of children with intellectual disabilities

Sh. Nemati, Ph.D.

دکتر شهروز نعمتی *

B. Ghobari bonab, Ph.D.

دکتر باقر غباری بناب **

R. Pourhossein, Ph.D.

دکتر رضا پورحسین **

چکیده

پژوهش حاضر پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری که مادران ایرانی کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی تجربه کرده‌اند را مورد بررسی قرار داده است. برای نیل به این هدف، روش کیفی و نظریه برخاسته از داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. بیست نفر از مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی که برای تکمیل پرونده فرزند خود به سازمان آموزش پرورش رجوع کرده بودند به صورت تصادفی انتخاب و سؤالات نیمه‌ساختاریافته در مورد پیامدهای بخشایش‌گری تا رسیدن به مرحله اشباع مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل یافته‌ها از طریق کدهای باز و مشخص شدن گزاره‌های اصلی و فرعی، نشان داد که در ایران مادران این گروه از کودکان به ترتیب به پیامدهای روانی، پیامدهای معنوی و اجتماعی، خانوادگی دست یافته‌اند.

*. استادیار دانشگاه تبریز

** . دانشیار دانشگاه تهران

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

این نشان می‌دهد که غنی بودن محتوا و متون مربوط به بخشایش‌گری در فرهنگ ایرانی-اسلامی به مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی برای بخشیدن دیگران کمک کرده است.

کلیدواژه‌ها: بخشایش‌گری، پیامدهای روان‌شناختی، مادران کودک نارسای تحولی عقلی،

فرهنگ ایرانی

Abstract

This study examined the psychological consequences of forgiveness from the perspective of Iranian's mothers of children with intellectual disabilities. In the same way, a qualitative method was used. Twenty mothers of children with intellectual disability who were referred to the department of education to complete their children's assessment data, were selected randomly and semi-structure interview was used to gather data. These mothers were interviewed until saturation was established. The analysis of data lead to establishment of opening codes and categorizing them in conceptual headings. Mothers of children with intellectual disabilities used spiritual resources, internal resources, and social interests and resources to forgiving others respectively. This indicates that the rich content related Iran's- Islamic culture has helped the mothers of children with intellectual disabilities to forgive others.

Keywords: Forgiveness, Psychological consequences, Mothers of children with intellectual disability, Iranian culture

Contact information: sh.nemati@tabrizu.ac.ir

مقدمه

نارسایی تحولی عقلی^۱، اختلالی فرایند تحولی است که به‌واسطه نقص در هم کارکرد ذهنی و رفتار سازشی در حوزه‌های مفهومی، اجتماعی و عملی تعریف می‌شود (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳).

با تولد کودک نارسایی تحولی عقلی، والدین به‌واسطه آرزوهای از دست رفته برای داشتن

پيامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

فرزند سالم، واکنش‌های روان‌شناختی از قبیل شوک، انکار، افسردگی، احساس گناه، خشم، اندوه و اضطراب، احساس خجالت را از خود نشان می‌دهند؛ این مجموعه واکنش‌ها را وضعیت داغدیدگی^۲ می‌نامند که والدین به‌خصوص مادران آن را فرسودگی مزمن^۳ گزارش می‌کنند (کاندیل و مریک، ۲۰۰۵؛ پروبرگ، ۲۰۱۱).

در سال‌های اخیر اثرات مثبت تولد کودکان با ویژگی‌های ناتوانی‌های تحولی بر کانون خانواده نیز مورد بررسی قرار گرفته است، شواهدی وجود دارد که تولد کودک با ناتوانی‌های تحولی به‌واسطه تجربه جدید و پیوند و حس انسان‌دوستی که فرزندان عادی از کمک به خواهر و برادر معلول خود به‌دست می‌آورند باعث رشد شخصی و معنوی اعضای خانواده می‌شود (اسکورجی و سوبسی، ۲۰۰۰؛ گرین، ۲۰۰۷).

علی‌رغم اثرات مثبت کودکان ناتوانی‌های تحولی بر کانون خانواده، تولد کودکی با شرایط نارسایی عقلی تحولی، با توجه به ویژگی‌هایی که از لحاظ شناختی، عاطفی و رفتاری دارد خانواده و جامعه را با چالش‌هایی مواجهه می‌کند (هالاها، کافمن و پولین، ۲۰۱۴). آسیب‌ها و رنج‌های بین‌فردی ناشی از تعاملات اجتماعی یکی از چالش‌هایی است که مادران کودکان نارسایی عقلی تحولی، مثل هر فرد عادی دیگری در جامعه با آن مواجهه می‌شوند؛ به‌نظر می‌رسد مادران کودکان نارسایی عقلی تحولی به‌خاطر شرایط چالش‌برانگیز فرزند نارسایی عقلی تحولی خود در چالش‌های بین‌فردی بیشتر آزرده‌خاطر می‌شوند که در آموزش ویژه نیازمند توجه است؛ بخشایش‌گری^۴ یکی از متغیرهای مهم در روان‌شناسی مثبت است که در این زمینه بعنوان موضوعی جالب و قابل‌تامل نیازمند پژوهش برای کمک به مادران کودکان کم‌توان ذهنی برای حل تعارضات بین‌فردی است.

در راستای آموزش و توانبخشی خانواده و به‌منظور حل تعارض و مشکلات به‌وجود آمده در بین والدین، بخشایش‌گری یکی از متغیرهای مهم اخیر در حوزه روان‌شناسی است (ان‌رایت و نورث، ۱۹۹۸). پژوهشگران ادیان، فیلسوفان و در این اواخر غالب روان‌شناسان، مفهوم بخشایش‌گری، اهمیت، کاربرد و محدودیت‌های آن را مورد بررسی قرار داده‌اند (زیکمستر و رومیرو، ۲۰۰۲).

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

بخشایش‌گری، فرایند یا نتیجه فرایندی است که تغییراتی در هیجان و رفتار منفی فرد رنجیده شده نسبت به فرد خاطی^۵ ایجاد می‌کند به عبارتی بخشایش‌گری فرایند تعمدی^۶ و داوطلبانه^۷ است که به واسطه تصمیم‌گیری که برای بخشیدن انجام می‌شود اتفاق می‌افتد (ان‌رایت، سانتوس و المیوق، ۱۹۸۹؛ فینجام، ۲۰۰۰؛ وورثینگتون، وایت ولیت، پیتیرینی و میلر، ۲۰۰۷). در نتیجه این فرایند هیجان‌های منفی فرد کاهش یافته و انگیزه برای فعالیت‌های تلافی‌جویانه از بین می‌رود (ان‌رایت، سانتوس و المیوق، ۱۹۸۹). با بخشایش‌گری فرد به رهاسازی از آزردهی هیجانی، کارکرد هیجانی مثبت، و نیز به بهبود تعاملات بین فردی مؤثر دست می‌یابد (ود و وورثینگتون، ۲۰۰۵).

شواهدی وجود دارد که بخشایش‌گری با کاهش هیجانات منفی بین افراد باعث بهبود روابط بین فردی شده و منجر به سلامت جسمانی و ارتقاء سلامت روانی می‌شود؛ از سویی این مداخله باعث کاهش پرخاشگری، کاهش علایم افسردگی، حل تعارضات زوجین می‌شود (ایکسلاین، بامیستر، مک‌لاف، پارگامنت و توریسن، ۲۰۰۰؛ مک‌لاف، ۲۰۰۰؛ تویسن و وب، ۲۰۰۵).

در مورد پیامدهای بخشایش‌گری از جمله سلامت روانی، رضایت زناشویی، غالب پژوهش‌های انجام گرفته بیشتر براساس برنامه‌های مداخله‌ای یا همبستگی است (توریسن، هریس و لوسکین، ۲۰۰۰؛ وورثینگتون، وایت ولیت، پیتیرینی و میلر، ۲۰۰۷؛ سیبلد، هیل، نیومن و چای، ۲۰۰۱؛ رانسلی و اسپای، ۲۰۰۴).

با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار فرهنگی بر رفتارهای افراد و نوع تفسیر آنها از پدیده‌های اجتماعی و رفتاری انجام پژوهش در ارتباط با متغیر بخشایش‌گری در فرهنگ ایران می‌تواند از دیدگاه پدیدارشناختی از اهمیت خاصی برخوردار باشد. در مطالعه پدیدارشناسی به مطالعه فرایندهای ذهنی افراد، آن‌طور که آنها تفسیر می‌کند می‌پردازند (جانسون و کریستینسن، ۲۰۱۲). بررسی دیدگاه‌های مادران کودکان نارسای تحولی عقلی به‌عنوان گروهی خاص در آموزش ویژه^۸ در مورد پیامدهای بخشایش‌گری، که به‌نظر بیشتر در معرض رنجیده‌خاطر شدن قرار می‌گیرند به‌عنوان موضوعی مهم و خلاقانه پژوهشی از اهمیت خاصی برخوردار است که

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

پژوهش حاضر بدنبال پاسخ به آن است. افزون بر این، یافته‌های پژوهش حاضر سازه‌های نظری ان‌رایت و گروه مطالعه رشد انسان (۱۹۹۱) در مورد بخشایش‌گری و پیامدهای آن و نیز یافته‌های تجربی موجود در فرهنگ غرب را با جامعه ایران-اسلامی مورد واکاوی خواهد کرد.

روش

در پژوهش حاضر، با استفاده از داده‌هایی که از طریق مصاحبه با مادران فرزند نارسایی عقلی تحولی به دست آمده بود؛ به تبیین کیفی نتایج حاصل از مصاحبه پرداخته شد و پیامدهایی که بخشایش‌گری برای این گروه از مادران در فرهنگ ایران بدنبال داشت مورد بررسی قرار گرفت. برای نیل به این هدف از روش کیفی تئوری وابسته به زمینه یا نظریه برخاسته از داده‌ها^۹ استفاده شد. نظریه برخاسته از داده‌ها، شیوه پژوهشی است که به وسیله آن با استفاده از مجموعه‌ای از داده‌ها یک نظریه تکوین می‌یابد (جانسون و کریستنسن، ۲۰۱۲).

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر، از بین مادران کودکان نارسای تحولی عقلی خفیف انتخاب شدند که برای تکمیل پرونده فرزندانشان به اداره آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران رجوع کرده بودند. ملاک‌های اصلی برای انتخاب نمونه، داشتن فرزند کم‌توان ذهنی خفیف و داوطلب بودن آنان برای شرکت در پژوهش بود. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود که تا رسیدن به مرحله اشباع که تا تعداد ۲۰ نفر ادامه پیدا کرد انجام شد؛ این ۲۰ نفر با دامنه‌ی سنی بین ۲۶ تا ۵۴ سال، تحصیلات سیکل تا فوق‌لیسانس، ۱۱ نفر دارای دو فرزند، ۵ نفر بیش از سه فرزند و ۴ نفر دارای یک فرزند بودند. از این تعداد ۲ نفر طلاق گرفته بودند.

روش اجرای پژوهش: در روش اجرای پژوهش، به تمام افراد شرکت‌کننده هدف پژوهش به اختصار توضیح داده شد و بی‌نام و نشان ماندن آنان در تمام منابع و مقالاتی که از این پژوهش استخراج می‌شود تضمین گردید. در ضمن به هرکدام از افراد شرکت‌کننده توضیح داده شد که شرکت در این پژوهش پیامد ناگوار روانی و عاطفی برای آنان نخواهد داشت. افزون بر این شرکت‌کنندگان آزاد بودند که هر موقع خواستند می‌توانند از ادامه همکاری

صرف‌نظر نمایند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات: جهت جمع‌آوری اطلاعات، و به‌منظور دستیابی به تجارب مادران ایرانی کودکان نارسای تحولی عقلی در مورد پیامدهای بخشیدن دیگران، سؤال نیمه‌ساختار یافته‌ای به‌صورت زیر ارائه شد:

"بخشیدن دیگران چه پیامدهایی را برای شما داشته است؟"

مصاحبه نیمه‌ساختاری با شرکت‌کنندگان به‌عمل آمد و نکات مبهم مصاحبه‌ها با واکاوی‌ها و سؤالات پیگیرانه مصاحبه‌گر روشن گردید تا جای که صراحت‌منظور آنان مشخص گردید. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه داده شد که اشباع گزاره‌ای در مصاحبه‌ها و نتایج آن حاصل گردد؛ بدین ترتیب که شرکت‌کنندگان جدید ایده تازه‌ای را مطرح نمی‌کردند و ایده‌های افراد قبلی را تکرار می‌نمودند و پس از مصاحبه با فرد هفدهم مشخص شد که سه نفر آخر همان مطالب قبلی را تکرار کردند لذا مصاحبه‌گر بعد از نفر بیستم مصاحبه را متوقف نمود.

روش تحلیل داده‌ها: در تنظیم مصاحبه‌ها پس از بررسی اشباع گزاره‌ها، موارد زیر مورد نظر پژوهشگران بوده است.

کدگذاری باز: در کدگذاری باز، از طریق جزء جزء کردن اطلاعات، مقوله‌ها یا طبقه‌های اصلی و فرعی به‌دست آمد؛ در این راستا، بر اساس داده‌های گردآوری شده از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاری و یادداشت‌های پژوهشگر مقوله‌های اصلی و مقوله‌های فرعی مشخص شدند. در این مرحله داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق بالینی با مادران، تجارب دست اول آنان استخراج و ضبط شد. نقطه مشترک گزاره‌های استخراج شده که مشخص‌کننده "تم" و موضوع مشخصی است. مجموعه‌ای از گزاره‌های مشخص شده در تحت عنوان موضوعات اصلی و فرعی در جدول گنجانده شده‌اند.

نتیجه مرحله کدگذاری باز بر اساس مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته که با بیست نفر از مادران دارای فرزند کم‌توان ذهنی انجام شده است؛ گزاره‌های مختلف و بیانات متفاوتی توسط مادران بیان شده که حاصل آنها در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول ۱: نتایج حاصل از کدگذاری باز داده‌های حاصل از مصاحبه*

| مقوله‌های اصلی | مقوله‌های فرعی | شرکت‌کنندگان | ویژگی‌ها | شرکت‌کنندگان |
|-----------------------------|---|---------------------|--------------------------------|----------------|
| پیامدهای روانی | کسب آرامش | ۲، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۰ | رهایی از درد گذشته | ۲، ۶، ۹، ۲۰ |
| | | ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۲۰ | بهبود تعاملات بین فردی | ۴، ۷، ۹، ۱۲ |
| | | ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۱۹ | | ۱۱، ۱۷، ۱۸، ۱۹ |
| پیامدهای معنوی | نزدیکی به خداوند | ۱، ۳، ۴، ۱۰، ۱۱، ۱۳ | عشق به خدا، درک معنا و خودسازی | ۳، ۴، ۱۱، ۱۳ |
| | | | ارتباط با خویشاوندان، | ۵، ۱۱ |
| پیامدهای اجتماعی و خانوادگی | ارتباط مثبت درون خانوادگی و تعامل مثبت با جامعه | ۵، ۶، ۷، ۱۱ | تعامل مثبت با محیط و اطرافیان | ۶، ۷ |
| | | | | |

* شماره‌های ذکر شده برای هر یک از مقوله‌ها مربوط به شماره‌های اختصاص یافته برای هر یک از افراد مصاحبه‌شده است به‌طور مثال ۱ یعنی فرد شماره ۱ یا ۴ یعنی فرد شماره ۴.

داده‌ها و یافته‌ها

در ارتباط با سؤال نیمه‌ساختاریافته که بخشایش‌گری چه پیامدهایی برای شما داشته است؟ پاسخ‌های مادران را نسبت به این سؤال می‌توان به سه طبقه اصلی تقسیم کرد:

الف پیامدهای روانی، ب) پیامدهای معنوی و ج) پیامدهای اجتماعی و خانوادگی

الف) پیامدهای روانی، از جمله پیامدهای روانی می‌توان به کسب آرامش و رهایی از درد و رنج و گذشته و ترمیم روابط با دیگران اشاره نمود. پیامدهای مثبت روانی در این طبقه از اولویت بالایی برخوردار بودند. همه شرکت‌کنندگان این پیامد را به‌عنوان یک پیامد مثبت

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

روانی در صدر لیست خود داشتند. دو نفر نیز به سلامت روانی که ناشی از رهایی از گذشته است اشاره کرده بودند که اهمیت بخشیدن را برای خود فرد بخشاینده که به‌عنوان هدیه بخشش را به فرد رنجاننده ارمغان می‌دارد مورد ملاحظه قرار می‌دهیم.

ب) پیامدهای معنوی، شرکت کنندگان به پیامدهای معنوی بخشایش‌گری از جمله نزدیکی به خداوند اشاره کرده بودند که بالاترین رقم را در بین پیامدهای معنوی نشان می‌داد تعدادی نیز به رشد ارتقای معنوی انسان و شاهد لطف خداوند بودند، خودسازی و معنایابی در زندگی و در روابط بین‌فردی اشاره کرده بودند. از پیامدهای معنوی دیگر که توسط مادران گزارش شده بود ارزش نهادن به معنوی خود و آلوده نکردن دل و حوزه هیجانی انسان‌ها که مرکز الهامات ربوبی است می‌باشد. به‌عبارت دیگر والدین اشاره کرده بودند که برای عشق ورزیدن به خدا دل را خالی کرد در اثر تصفیه شدن و پاک شدن دل از کینه‌ها و رنج‌های گذشته انسان می‌تواند ارتباط خود را با باریتعالی نشان دهد.

پیامدهای اجتماعی و خانوادگی، از جمله پیامدهای خانوادگی و اجتماعی می‌توان به صلح و آرامش و آشتی که توسط مادران به‌کرار ذکر شده اشاره نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی پیامدهای بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان نارسای تحولی عقلی در فرهنگ ایران بود. تحلیل مصاحبه‌ها و طبقه‌بندی داده‌ها از طریق کدهای باز نشان داد که در ایران مادران کودکان نارسایی عقلی تحولی بیشتر به پیامدهای روانی، معنوی و اجتماعی و خانوادگی اشاره کرده بودند.

در تبیین بعد پیامدهای روانی، سلامت روانی و رسیدن به آرامش، از پشتوانه نظری و تجربی قوی برخوردار است. ورثینگتون، بری و پاروت (۲۰۰۱) اثرات متقابل بین بخشایش‌گری با سلامت روانی را در دو حالت، اثرات مستقیم و غیرمستقیم مفهوم‌سازی کرده‌اند. اثرات مستقیم بخشایش‌گری بر روی سلامت روانی با مفاهیمی مثل عدم‌بخشایش‌گری، نشخوارهای ذهنی دایم، هیجان‌های آسیب‌زا، تلخ‌کامی^۱، تنفر، خصومت، خشم به‌جامانده^{۱۱} و ترس توصیف شده

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

است؛ هیجان‌های منفی می‌تواند منجر به مشکلات قابل ملاحظه سلامت روانی در افراد شود. روش‌های زیادی برای نشان دادن عدم بخشایش‌گری وجود دارد که شامل، تلافی کردن، انتقام، داد‌گری و انکار است. بخشایش‌گری شامل تأثیرگذاری مثبت یا پیشگیری از عوامل منجر به عدم بخشایش‌گری از طریق هیجان‌های عشق-محور، قوی و مثبت است. وقتی به توصیف هیجان‌های بخشایش‌گری و غیربخشایش‌گری پرداخته می‌شود؛ ورثینگتون، بری و پاروت (۲۰۰۱) مشخص می‌کنند که این‌ها فقط احساس‌های ذهنی نیستند بلکه همه هیجان‌ها شامل، فرایندهای مختلف فیزیولوژیکی می‌شوند. به واسطه این تغییرات فیزیولوژیکی است که بخشایش‌گری ممکن است به احتمال زیاد تأثیر مستقیم بر سلامت روانی و بهزیستی روانی داشته باشد. بخشایش‌گری به احتمال زیاد تأثیر غیرمستقیمی بر سلامت روانی نیز دارد. در بخشایش‌گری فرد از طریق متغیرهایی مثل حمایت اجتماعی، عملکردهای بین‌فردی و رفتار سلامت به صورت غیرمستقیم به سلامت روانی دست پیدا می‌کند؛ این متغیرهای واسطه‌ای به صورت کلی با ارتقای سلامت روانی در ارتباط هستند (سالترمن و هالاها، ۲۰۰۲).

در ارزیابی پیامدهای بخشایش‌گری، اگرچه در حالت کلی، پیامدهای روانی، به افسردگی، اضطراب، سلامت روانی محدود شده‌اند. با وجود این، سایر متغیرها مانند نشانگان استرس پس از سانحه، فوبیا، ترس مرضی (پانیک) و سوء مصرف مواد نیز مورد ملاحظه قرار گرفتند؛ که این یافته‌ها نشان می‌دهند ارتباط بخشایش‌گری با سلامت روانی به فراتر از صرفاً افسردگی و اضطراب می‌رسد (ویتولایت، فییس، فلدمن و بکهام، ۲۰۰۴).

در زمینه پیامدهای معنوی، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را در مقایسه با یافته‌های غربی مشاهده می‌شود؛ رشد ارتقای معنوی انسان، شاهد لطف خداوند بودن، خودسازی و معنا یابی در زندگی، ارزش نهادن به معنویت خود، عشق ورزیدن به خدا به واسطه خالی کردن دل از کینه‌ها و ویژگی‌هایی هستند که مادران کودکان نارسای تحولی عقلی به آن اشاره کرده بودند.

غنی بودن بافت و محتوی اسلامی و همچنین تعالیم اسلامی به این گروه از مادران در فرهنگ ایران زمین کمک کرده است؛ در قرآن آیات مختلفی در سفارش به بخشایش‌گری شده است برای نمونه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (بقره/۵۲)

سپس شما را بعد از آن بخشیدیم؛ شاید شکر (این نعمت را) به‌جا آورید.

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى (طه/۸۲)

و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس هدایت شود،

می‌آمزم!

خیلی از مادران کودکان نارسای تحولی عقلی بخشیدن دیگران وسیله تقرب به خداوند قلمداد می‌کردند و بیان می‌داشتند که "چون خداوند آنها را به‌واسطه گناهانشان بخشیده است پس ما هم فرد خاطی را می‌بخشیم"

پیامدهای اجتماعی و خانوادگی یکی دیگر از پیامدهای بخشایش‌گری بود که مادران کودکان نارسایی عقلی تحولی به آن اشاره کرده بودند. مادران کودکان نارسای تحولی عقلی که خود با تنیدگی‌های زیاد مواجه می‌شوند و تنیدگی‌های نگهداری از کودک نارسای تحولی عقلی و پیگیری درمان‌های پزشکی، روانی و تربیتی برای او و بدنبال آن فشارهای اقتصادی ناشی از این درمان‌ها آنها را مستأصل می‌کند و این استیصال در خانواده به ناکامی و پرخاشگری می‌انجامد، به‌درستی درک کرده‌اند که بخشایش‌گری به‌عنوان یک داروی التیام‌بخش در روابط بین‌فردی تلقی می‌شود که دوباره می‌تواند وحدت و انسجام خانواده را حفظ کند و منجر به انس و الفت دوباره در خانواده گردد.

بخشایش‌گری نقش مهمی را در حل تعارضات بین‌فردی دارد طوری که فرد رنجیده‌خاطر شده از طریق حل تعارضات بین‌فردی حمایت‌های اجتماعی خوبی را به‌دست می‌آورد؛ پاسخ‌های چندوجهی که در فرایند بخشایش‌گری به‌دست می‌آید به مادران کودکان نارسایی عقلی تحولی در روابط بین‌فردی (از جمله انتخاب رابطه به‌جای دوری‌گزینی، حس همدردی با فرد خاطی و نگرشی مثبت به وی به‌جای نشخوارهای منفی ذهنی و حس تلافی‌جویانه) کمک می‌کند (زمیستر و رومرو، ۲۰۰۲).

مادران کودکان نارسای تحولی عقلی با کسب حمایت‌های اجتماعی (از جمله تعامل مثبت با اعضای خانواده و یا خویشاوندان) و تعامل مثبت با محیط اجتماعی از جمله دوستان و حل

پیامدهای روان‌شناختی بخشایش‌گری از دیدگاه مادران کودکان دارای نارسایی تحولی عقلی

تعارضات بین‌فردی از جمله دوستان و خویشاوندان تنیدگی خود را پایین می‌آورند.

در زمینه پیشنهادها پژوهشی، پیامدهای روانی از جمله سلامت روانی و معنوی از جمله نزدیکی به خداوند، و کسب حمایت خانوادگی و اجتماعی از یافته‌های مهم در بافت ایران زمین است که می‌تواند در حل تعارضات بین‌فردی به‌ویژه در حوزه خانواده و خانواده‌های افراد کم‌توان ذهنی مفید باشد. افزون بر این متخصصان، مشاوران و روان‌شناسان در حوزه‌های مشاوره و روان‌درمانی می‌توانند از این نیروها و منابع معنوی برای کمک به افراد در حل تعارضات بین‌فردی از آن استفاده کنند.

داوطلبانه بودن نمونه، که در پژوهش پژوهش حاضر امکان انتخاب نمونه‌گیری تصادفی ساده نبود از محدودیت این پژوهش به حساب می‌آید.

پی‌نوشت‌ها:

- | | |
|----------------------------|----------------------|
| 1- intellectual disability | 2- bereavement |
| 3- chronic fatigue | 4- forgiveness |
| 5- offender | 6- intentional |
| 7- voluntary | 8- special education |
| 9- grounded theory | 10- bitterness |
| 11- Residual anger | |

منابع و مآخذ فارسی:

قرآن مجید. (۱۳۶۷). ترجمه و تفسیر، الهی قمشه‌ای، مهدی. تهران: بنیاد نشر قرآن و انتشارات امیرکبیر.

منابع و مآخذ خارجی:

Association, A. P., & others. (2013). The Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders: DSM 5. Book point US. Retrieved from <http://books.google.com/books?>

- Broberg, M. (2011). Expectations of and reactions to disability and normality experienced by parents of children with intellectual disability in Sweden. *Child: Care, Health and Development*, 37(3), 410–417.
- Enright, R. D., & Human Development Study Group. (1991). The moral development of forgiveness. In W. Kurtine & J. Gewirtz (Eds.), *Handbook of moral behavior and development*, 1, 123-152. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Enright, R. D., & North, J. E. (1998). *Exploring forgiveness*. University of Wisconsin Press. Retrieved from <http://psycnet.apa.org/psycinfo/1998-07529-000>
- Enright, R. D., Santos, M. J., & Al-Mabuk, R. (1989). The adolescent as forgiver. *Journal of Adolescence*, 12(1), 95–110.
- Exline, J. J., Baumeister, R. F., McCullough, M. E., Pargament, K. I., & Thoresen, C. E. (2000). Expressing forgiveness and repentance. *Forgiveness: Theory, research, and practice*, 133–155. *Family*, 60, 5-22
- Fincham, F. D. (2000). The kiss of the porcupines: From attributing responsibility to forgiving. *Personal Relationships*, 7(1), 1–23.
- Green, S. E. (2007) We're tired not sad: benefits and burdens of mothering a child with a disability. *Social Science & Medicine*, 64, 150–163.
- Hallahan, D. P., Kauffman, J. M., & Pullen, P. C. (2014). *Exceptional learners. Introduction to special education* (13 th ed). Boston. Allyn & Bacon.
- Johnson, B., & Christensen, L. (2012). *Educational research: Quantitative, qualitative and mixed methods*. Allyn & Bacon. Retrieved from <http://psycnet.apa.org/psycinfo/1999-04454-000>
- Kandel, I., & Merrick, J. (2005). Factors affecting placement of a child with intellectual disability. *The Scientific World Journal*, 5, 370–376.
- McCullough, M. E. (2000). Forgiveness as human strength: Theory, measurement, and links to well-being. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19(1), 43–55.
- Ransley, C., & Spy, T. (2004). *Forgiveness and the healing process: A central therapeutic concern*. Routledge.
- Saltzman, K. M., & Holahan, C. J. (2002). Social support, self-efficacy, and depressive symptoms: An integrative model. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 21(3), 309-322.
- Seybold, K. S., Hill, P.D., Neumann, J.K., Chi, D.S., 2001. Physiological and psychological correlates of forgiveness. *Journal of Psychology and Christianity*, 20, 250–259.
- Thoresen, C. E., Harris, A. H. S., & Luskin, F. (2000). Forgiveness and health: An unanswered question. In M. E. McCullough, K. I. Pargament, & C. E.

- Thoresen Carl E. (Ed), *Forgiveness: Theory, research, and practice*. pp. 254-280. New York, NY, US: Guilford Press
- Toussaint, L., & Webb, J. R. (2005). Theoretical and empirical connections between forgiveness, mental health, and well-being. *Handbook of forgiveness*, 349-362.
- Wade, N. G., & Worthington, E. L. (2005). In search of a common core: A content analysis of interventions to promote forgiveness. *Psychotherapy-River Edge*, 42(2), 160.
- Witvliet, C. V. O., Phipps, K. A., Feldman, M. E., & Beckham, J. C. (2004). Posttraumatic mental and physical health correlates of forgiveness and religious coping in military veterans. *Journal of Traumatic Stress*, 17, 269-273.
- Worthington, E. L., Jr., Berry, J. W., & Parrott, L., III. (2001). Unforgiveness, forgiveness, religion, and health. In T. G. Plante & A. C. Sherman (Eds.), *Faith and health: Psychological perspectives* (pp. 107-138). New York: The Guilford Press
- Worthington Jr, E. L., Witvliet, C. V. O., Pietrini, P., & Miller, A. J. (2007). Forgiveness, health, and well-being: A review of evidence for emotional versus decisional forgiveness, dispositional forgivingness, and reduced unforgiveness. *Journal of Behavioral Medicine*, 30(4), 291-302.
- Zechmeister, J. S., & Romero, C. (2002). Victim and offender accounts of interpersonal conflict: autobiographical narratives of forgiveness and unforgiveness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82(4), 675.